

هویت بخشی به شهر از طریق بهره‌گیری از عناصر طبیعی

نمونه موردی شهر همدان*

دکتر علی اصغر رحیمیون**

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۹/۷/۵

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۸۹/۹/۲۲

چکیده

نیود رابطه منطقی بین کالبد شهر و عناصر سازنده هویت آن یک مسئله عام در شهرهای امروز است. هدف این تحقیق حل بحران هویتی شهرهای معاصر ایران از طریق شناسایی عناصر و پدیده‌های طبیعی و تعیین روشی برای چگونگی اثربخشی آنها در هویت شهرها است. فرضیه تحقیق بیان می‌کند که عناصر طبیعی شهرها در ارتقاء کیفیت کالبدی شهرها می‌توانند اثربخش باشند و هویت شهر به شدت متأثر از نحوه ترکیب این عناصر در یکدیگر است. این پژوهش با به‌کارگیری روش توصیفی و از طریق مطالعه اسنادی، به تدوین چهارچوب نظری مفاهیم هویت و طبیعت می‌پردازد و با روش مقایسه تطبیقی و تحلیلی معیارهای هویت‌بخش شهر، که شامل معیارهای برنامه‌ریزی و طراحی شهری می‌گردد را استخراج می‌نماید. نتایج تحقیق در شهر نمونه مورد آزمون نشان‌دهنده این است که عناصر طبیعی نقش مهمی در ایجاد هویت در شهر داشته و برای ایجاد هویت‌های جدید ضرورت دارد از آنها الهام گرفته شود.

واژه‌های کلیدی

هویت شهر، عناصر طبیعی، پدیده‌های طبیعی، معیارهای هویت شهر، شهر همدان.

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری علی اصغر رحیمیون که با عنوان "تبیین هویت بخشی شهرهای ایران از طریق بهره‌گیری از عناصر طبیعی (نمونه موردی شهر همدان)" به راهنمایی دکتر فرح حبیب و مشاوره دکتر مسعود مهدوی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران ارائه شده است.
** دانش آموخته دکتری شهرسازی واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (مسئول مکاتبات)

مقدمه

روش توصیفی و با کمک مطالعه اسنادی بوده و در مطالعات مربوط به آزمون فرضیه با استفاده از روش مقایسه تطبیقی - تحلیلی با کمک برداشت‌های میدانی، در یک موقعیت واقعی (شهر کوهپایه‌ای همدان) به استنتاج مباحث پرداخته شده است. ابزار گردآوری اطلاعات مشاهده و عکس‌برداری و جمع‌آوری و نگهداری داده‌ها در جداولی مخصوص به عنوان مهم‌ترین ابزارهای گردآوری اطلاعات میدانی در این زمینه است و اطلاعات اسنادی از طریق فیش‌برداری تکمیل گردیده است.

پیشینه تمقیق

ادبیات موضوع تحقیق در حوزه اندیشه و نظر به صورت مستقل کم‌تر مورد بررسی قرار گرفته است. گرچه در زمینه هر یک از اجزاء موضوع تحقیق در رشته‌های مختلف مبانی نظری و علمی فراوانی وجود دارد، اما این که مفهوم هویت در رابطه با عناصر طبیعی و در شهرهای ایران چگونه است و باید بر پایه کدام چارچوب نظری ارائه گردد، موضوع جدیدی است که از سال‌های اولیه ۱۳۸۰ در این زمینه مطالعاتی دیده می‌شود. در زمینه هویت و بحران هویت در معماری و شهرسازی مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی وزارت مسکن و شهرسازی طرح تحقیقاتی تحت عنوان "بررسی اجمالی در جهت شناخت و معرفی هویت اسلامی در معماری و شهرسازی" را به انجام رسانده که در هفت فصل به موضوع هویت و هنر و معماری اشاره شده است. (نقره کار، ۱۳۸۱) در همین راستا وزرات مسکن و شهرسازی برای سی مرکز استان در حال تدوین سی کتاب به نام "در جستجوی هویت شهری" است که در هر کتاب به توصیف عناصر طبیعی، اقتصادی، اجتماعی و کالبدی هویت‌بخش هر یک از مراکز استان‌ها می‌پردازد. (سازمان مسکن و شهرسازی استان همدان، ۱۳۸۵) نقی‌زاده در کتاب "ادراک زیبایی و هویت شهر در پرتو تفکر اسلامی" به بحث هویت در شهر و رابطه آن با زیباشناسی پرداخته است (نقی‌زاده، الف ۱۳۸۴) و در کتاب "جایگاه طبیعت و محیط زیست در فرهنگ و شهرهای ایرانی" مباحث مهمی در باره مفاهیم طبیعت و عناصر آن و رابطه آن با شهرها ارائه شده است. (نقی‌زاده، ب ۱۳۸۴) مقالاتی مانند "الهام از طبیعت در ایجاد محیط زندگی اسلامی" و "الهام از میراث طبیعی در ساخت محیط زندگی" دیدگاه‌های مختلف در رابطه با طبیعت و ساخت شهر آورده شده است. (امین زاده ونقی‌زاده، ۱۳۸۲) مقاله "نقش عوامل طبیعی و مصنوع در هویت شهرهای جدید" اشاره دارد به این نکته که محیط طبیعی و مصنوع طی روندی تدریجی با یکدیگر متبادل ایجاد می‌کنند که خود عامل شکل‌گیری هویت ویژه برای

کسب هویت مطلوب و اصیل و رهایی از بحران هویت از دغدغه‌های تاریخ انسانیت و فرهنگ‌های انسانی بوده و هست. می‌توان گفت انسان به آن دلیل انسان است که موجودی هویت‌ساز و خواستار هویتی آرمانی است. امروزه عرصه شهرسازی کشور ما در بحران هویتی به سر می‌برد. (نقره کار، ۱۳۸۱) چگونه باید از این بحران در امان ماند؟ عناصر هویتی در شهرهای ایران کدامند؟ و چگونه می‌توان آنها را طبقه‌بندی و مورد مطالعه قرار داد؟ شهرها دارای ابعاد طبیعی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و کالبدی هستند که هر کدام از این ابعاد می‌تواند در حوزه شناخت هویتی قرار گیرد. هویت مکان به عنوان یکی از راه‌های ارتباط بین انسان و مکان از طریق فرهنگ، سابقه تاریخی، خاطرات جمعی، نوع و ماهیت فناوری ساخت، عملکردها، نشانه‌ها، فرم‌ها و نمادهای شهری و ویژگی‌های بصری و کالبدی ادراک می‌گردد. (امین زاده، ۱۳۸۹، ۴) در این تحقیق به یکی از این مقولات یعنی عناصر طبیعی هویت‌بخش به شهر پرداخته می‌شود. طبیعت بستر زندگی انسان و حیات شهرها است (رهنمائی، ۱۳۶۹) و به این دلیل نقش کلیدی در هویت‌بخشی به شهرها می‌تواند داشته باشد. شهرها محلی برای رشد و اعتلای انسان می‌باشند و همانند انسان‌ها دارای ویژگی‌های متنوع و متفاوتی از همدیگر می‌باشند که موجب بازشناسی و شخصیت‌یابی آنها از همدیگر است و هر شهری بر اساس شرایط طبیعی، فرهنگی و اجتماعی که دارا گردیده می‌تواند بازه‌های خاصی داشته باشد که موجب شناخت آن از سایر شهرها می‌گردد. هدف کلی این تحقیق گام برداشتن در جهت حل بحران هویتی در شهرهای معاصر ایرانی از بعد طبیعی است. برای انجام تحقیق با استفاده از روش توصیفی و روش مقایسه تطبیقی - تحلیلی در یک نمونه موردی به استنتاج مباحث پرداخته شده است. ساختار کلی تحقیق بطور خلاصه شامل روش تحقیق، تعاریف و مبانی نظری تحقیق در زمینه مفهوم هویت و طبیعت، شناسایی عناصر و پدیده‌های طبیعی هویت‌بخش شهر، شناسایی عناصر هویت‌بخش شهر، ارائه مدل تحلیلی آزمون فرضیه، بررسی نمونه موردی و در نهایت نتایج تحقیق ارائه گردیده است.

روش تمقیق

این پژوهش از نوع بنیادی - کاربری است که با توجه به گستردگی مباحث از روش‌های مختلفی استفاده شده است. بررسی سابقه، مصادیق، کلیات، تعاریف و چارچوب نظری تحقیق با استفاده از

هویت و عناصر سازنده آن (مفاهیم و دیدگاه‌ها در جهان و ایران)

در فرهنگ‌ها و واژه‌نامه‌های فارسی سه معنی برای هویت آورده شده است: الف- خداوند، ب- هستی و وجود و ج- آنچه موجب شناسایی شخص باشد. (فرهنگ معین و عمید) و یا بیان شده، هویت، پاسخی است که به پرسش ما هو «یا» آن چیست؟ داده می‌شود. (مطهری، ۱۳۷۸) در فرهنگ لاروس آمده هویت، مجموعه عواملی است که شخصیت کسی را به اثبات می‌رساند و در دایره‌المعارف بریتانیکا هویت را یا حالتی از یک چیز که تداوم آن را در شرایط متفاوت جدا می‌کند و یا شرایطی در یک چیز که آن را از اشیاء دیگر جدا می‌کند و یا عوامل تعیین‌کننده چیستی یا کیستی یک چیز هویت آن شخص یا چیز است. (نقره کار، ۱۳۸۱) یکی از زمینه‌های بررسی مفهوم هویت، جداسازی هویت انسان از هویت دیگر پدیده‌های هستی و نشان دادن وجه تمایز ساختاری آن می‌باشد. همگان پذیرفته‌اند که هویت یا کیستی انسان، بسیار پیچیده‌تر از دیگر پدیده‌هاست چراکه هر موجودی غیر از انسان، میان خودش و ماهیتش، تصور جدایی غیرممکن است. انسان تنها موجودی است که میان خودش و ماهیتش جدایی و فاصله است. یعنی میان انسان و انسانیت. (مطهری، ۱۳۷۴) از دیدگاه اسلام، هویت همه موجودات، به جز انسان، امری جبری و مقدر است و با اراده الهی تحقق می‌پذیرد. هویت انسان دارای دو وجه بنیادی است: ۱- هویت بینشی، که دربرگیرنده همه ویژگی‌های هویت انسان بر پایه آگاهی‌های بدست آمده می‌باشد. ۲- هویت گرایشی یا ارزشی که دربرگیرنده همه ویژگی‌هایی است که هویت آدمی باید داشته باشد. (مطهری، ۱۳۷۳)

در میان اندیشمندان معاصر ایرانی سه رویکرد به مفهوم هویت را می‌توان یافت: ۱- رویکردهای تاریخی به هویت: تأکید بر عامل تاریخ و میراث تاریخی در شناخت هویت جمعی. ۲- رویکرد بینشی: تأکید بر بینش در ساختار هویت. ۳- رویکرد گرایشی: تأکید بر گرایش‌های انسان در شناخت هویت و نیز هدف‌ها و آرمان‌ها. (نقره کار، ۱۳۸۱) بدین‌گونه می‌توان چنین برداشت کرد که گروهی کانون هویت را در گذشته می‌جویند و گروهی در اکنون و گروهی در آینده و همگی سمت و سوی دگرگونی‌ها را بهترین ملاک برای تمایز هویت‌ها بر می‌شمرند.

مفهوم هویت در بین اندیشمندان غربی با چندین رویکرد قابل بررسی است:

۱. رویکرد انسان‌گرایی: مبتنی بر جنبش فلسفی-ادبی اومانیزم. ستایش

آزادی و تأکید بر اختیار بشر در طبیعت و جامعه و همزیستی مسالمت‌آمیز و مدارا از ویژگی‌های این رویکرد است. (صانع پور، ۱۳۷۸) ۲. رویکرد فردگرایی: مربوط به نیمه نخست سده ششم میلادی است که در این نگرش هر انسانی به سبب یک جوهر فردی و ماهیت عقلانی‌اش، یک شخص شمرده می‌شود. (نقره کار، ۱۳۸۱) ۳. رویکرد استعلایی: این دیدگاه، رویکردی پدیدارشناسانه بر هویت دارد. پدیدارشناسی را مکتب «خودشناسی» نامیده‌اند چرا که با هر خودی، همچون یک پدیده روبرو می‌شود و تلاش می‌کند در یک فرایند «شهود استعلایی» پدیده را بشناسد. (همان) ۴. رویکرد تحول‌گرایی: در مکتب آگزیستانسیالیسم عامل اصلی سازنده هویت فرد، وضع موجود او نیست، بلکه راستای حرکت به سوی آینده و آمدن از گذشته است و دیگری اصالت توجه به دیگران برای شناخت خود می‌باشد. بنابر این برای شناخت خود باید از دیگری گذر کرد. (فولکیه، ۱۳۴۳) عناصر سازنده هویت انسان را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: ۱. ویژگی‌ها و عناصر طبیعی (محیط طبیعی)؛ ۲. ویژگی‌ها و عناصر فردی که شامل جنسیت، سن و شغل است؛ ۳. ویژگی‌ها و عناصر انسانی (محیط انسانی) که شامل نژاد، خانواده، زبان، تاریخ، تمدن، فرهنگ، سنت و دین است. (نقره کار، ۱۳۸۱)

طبیعت و عناصر سازنده آن (مفاهیم و دیدگاه‌ها در جهان و ایران)

در فرهنگ لغات آکسفورد واژه Nature به معنی کل جهان و همه مخلوقات به غیر از چیزهای ساخته دست بشر آمده است. واژه لاتین «Nature» از ریشه «Nat» به معنی «زادن و زاده شدن» گرفته شده است و این خود مفهوم کهن زاینده‌گی طبیعت و فرزندى ما را تأیید می‌کند. (نصر، ۱۳۷۹) طبیعت اولیه به مفهوم طبیعتی است که دست انسان آن را دگرگون نساخته و تبدیل به طبیعت ثانویه نکرده باشد، انسان با دستان خود طبیعت ثانویه را در درون جهان به وجود می‌آورد. باغ‌ها نیز طبیعت سوم هستند، زیرا باغ‌ها بیان آگاهانه از طبیعت‌های اولیه و ثانویه و یا یک تفسیر هنری از مکانی خاص و برای مردمی خاص‌اند. (اسپرن، ۱۳۸۴) طبیعت به عناصر مادی و فیزیکی محسوس منحصر و محدود نمی‌شود، بلکه واجد مراتب ماورای کالبد خویش نیز می‌باشد که از آنها به اصول حاکم بر طبیعت و همین‌طور ملکوت عالم تعبیر می‌شود. (نقی زاده، ب ۱۳۸۴) در علوم مربوط به محیط زیست "محیط طبیعی" را بخشی از محیط زیست می‌دانند که ساخته و پرداخته انسان نباشد. بر این‌منا، جنگل‌ها، درختزارها، دریاها، رودخانه‌ها و در مجموع کلیه چشم‌اندازهای طبیعی محیط طبیعی را تشکیل می‌دهند. (سلطانی، ۱۳۷۱) این‌سینا کلمه طبیعت را به چند معنی به کار برده است که مهم‌ترین

آن نیرویی است که موجب حرکت عناصر است. (نصر، ۱۳۵۹) بررسی نگرش‌ها در جهان و ایران در زمینه رابطه انسان با طبیعت را می‌توان در پنج گروه تقسیم کرد. نگرش اول، نگرش فراطبیعت است که در این نگرش انسان ماهیتی فراطبیعی دارد و آغاز و انجام او هم طبیعت نیست، از این رو باید تا آنجا که می‌تواند از طبیعت دوری گزیند و بدان کاری نداشته باشد. (نقره کار، ۱۳۸۱) نمونه‌های این دیدگاه را در نظریهٔ عالم مُثُل افلاطون (مطهری، ۱۳۷۰) و دیدگاه صوفیان کهن و برخی عارفان و آئین هندویی است می‌توان یافت. (نقره کار، ۱۳۸۱) نگرش دوم، نگرش طبیعت‌گراست که در این نگرش آغاز انسان در همین طبیعت رخ می‌دهد و سرانجام هم می‌میرد و کالبدش به همین طبیعت برمی‌گردد. طبیعت، عناصر و پدیده‌های آن واجد ارزش شمرده می‌شود و انسان برخوردار از احترام‌آمیز به طبیعت دارد و نمی‌تواند و نباید آنرا بیالاید. (نقره کار، ۱۳۸۱) نمونه‌های نگرش طبیعت‌گرا را می‌توان در کیش ایرانیان باستان، برخی اقوام سرخپوست آمریکایی (نصر، ۱۳۷۸)، یونانیان، جزء‌گرایی، طبیعت‌گرایی (ناتورالیسم) سده هیجدهم و اوائل سده نوزدهم اروپا پیدا کرد. نگرش سوم، نگرش تسلط‌گرای بر طبیعت است. در این نگرش، طبیعت ابزار و منبع خواسته‌های بشر است. زندگی، همین نمود مادی است و انسان تا آنجا که می‌تواند باید برای بهره‌گیری بیشتر از طبیعت و چیرگی بر آن تلاش کند. سودمندترین دانش‌ها، دانش آگاهی از طبیعت و چیرگی بر آن است. مهم‌ترین نمونه این نگرش نگاه انسان غربی عصر نوگرایی (مدرنیسم) بر طبیعت می‌باشد. (کاجی، ۱۳۷۸) نگرش چهارم، نگرش یکی شدن با طبیعت است و در آن ماهیت انسان اساساً با ماهیت طبیعت یکی است. انسان جزئی از طبیعت است و جایگاه انسان از طبیعت فروتر است، پس انسان نباید هرگز در پی چیرگی بر طبیعت برآید. طبیعت، هدف نهایی است و محو شدن در طبیعت، غایت زندگی است. (نقره کار، ۱۳۸۱) از نمونه‌های این دیدگاه باید به دین کهن چینی‌ها و ژاپنی‌ها اشاره کرد. نگرش پنجم، نگرش مبتنی بر هماهنگی با طبیعت است که آغاز انسان را برخاسته از همین طبیعت می‌داند. ماهیت او در آغاز با طبیعت یکی است، اما انسان در پیمایش راه زندگی از طبیعت فراتر می‌رود، و در پایان ماهیتی فراطبیعی می‌یابد. در این دیدگاه طبیعت، بستر رشد و تعالی انسان از یک پدیده زمینی به یک پدیده فرازمینی است. ادیان ابراهیمی، مسیحیت، یهود و اسلام در ذات خود چنین نگاهی به طبیعت دارند، و از میان آنها تنها دیدگاه اسلام و مسلمانان است که هم از بعد نظری و هم بعد عملی به این دیدگاه پرداخته است. (نقره کار، ۱۳۸۱)

اجزاء و عناصر طبیعت: بر پایه باور افلاطون، عناصر چهارگانه طبیعت (آب و آتش و خاک و هوا) از چهار شکل بنیادی هرم، مکعب،

هشت‌وجهی و بیست‌وجهی درست می‌شده‌اند. (فرشاد، بی‌تا) خداوند جهان را چنان ترتیب داده است که اکثر موجودات طبیعت به دسته‌های چهارگانه تقسیم شده‌اند. مانند چهار طبع که عبارت است از گرمی و سردی و خشکی و تری و چهار عنصر طبیعت که عبارت است از آتش و هوا و آب و خاک و چهار فصل سال و جهات اصلی چهارگانه و بادهای چهارگانه. (نصر، ۱۳۵۹) طبیعت متشکل از اجزاء و عناصر و اصول و قوانین و زمینه‌های اصلی متفاوتی است که در دو گروه "کالبد" و "قوانین حاکم بر کالبد" قابل طبقه‌بندی است. کالبد اجزاء فیزیکی می‌باشد که به صورت عناصری همچون آب، خاک، گیاه، هوا، نور، جانداران و مانند آن تجلی یافته است. قوانین حاکم بر طبیعت خط سیر هر یک از اجزاء طبیعت، رابطه آنها با یکدیگر و تأثیراتشان بر یکدیگر را تبیین می‌نماید. (نقی زاده، ۱۳۸۴) طبیعت و عناصر آن از نظر تعالیم اسلامی به عنوان آیات الهی و نشانه‌های قدرت و علم خداوندی مورد اشاره قرار گرفته‌اند. در قرآن کریم نور، نماد و نشانه بسیاری و جوه است، آب ماده اولیه حیات و عامل اصلی در اعمال دینی (وضو، غسل، تطهیر، شستوی اموات) است. سایه، فقدان نور است و در بهشت و دوزخ دارای معانی متفاوتی است. باد (هوا)، بشارت‌دهنده رحمت الهی و همچنین نزول عذاب الهی است. خاک، ماده اولیه خلقت انسان و جایگاه نهایی جسد آدمی و عامل پاکی و آمادگی انسان برای انجام فرایض دینی است و گیاهان نمادی از بهشت و یادآور و دلیلی بر معاد است و حیوانات، به عنوان آیات الهی مطرح است. سایر عناصر طبیعی مانند کوه‌ها، آسمان (ماه، خورشید و ستارگان) نه تنها برکات مادی دارند، بلکه عاملی در جهت تقویت تفکر و تذکر هستند و عامل آگاهی به زمان و مکان و جهت نیز می‌باشد. (همان) در علم محیط زیست عوامل تشکیل‌دهنده محیط طبیعی را به دو گروه، عوامل بی‌جان شامل اقلیم، ساخت زمین، منابع آب‌های سطحی و زیرزمینی، خاک، توپوگرافی و عوامل جاندار شامل رویش‌های طبیعی و حیات وحش تقسیم شده است. (سلطانی، ۱۳۷۱) در مطالعات شهری عناصر و ویژگی‌های محیط طبیعی شامل موقعیت جغرافیایی، حدود جغرافیایی، ساختمان زمین‌شناسی، توپوگرافی و ناهمواری‌ها، آب و هوا، منابع آب (آب‌های سطحی و آب‌های زیرزمینی)، خاک و پوشش گیاهی است. (رهمنائی، ۱۳۶۹)

انواع و ویژگی‌های عناصر و پدیده‌های طبیعی هویت‌بخش شهری

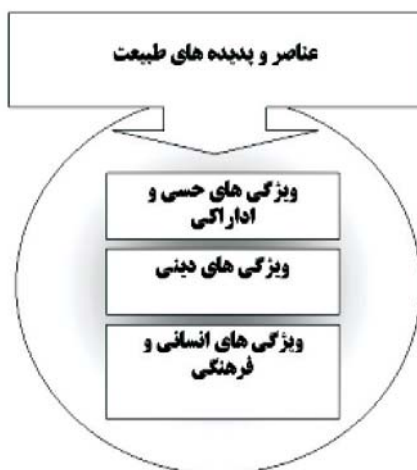
طبیعت را بر اساس فرهنگ ایرانی و تفکر اسلامی می‌توان متشکل از چهار عنصر بی‌جان به نام‌های آب، هوا، خاک و نور دانست که

تغییر جهت، تراکم، سلسله مراتب، تعادل و زیبایی، تنوع، سلامتی و آسایش را نشان می‌دهند. ویژگی‌های فرهنگ ایرانی عناصر چهار گانه به پدیده‌های طبیعی صفاتی نظیر تمدن‌سازی، عامل درمان، مونث بودن، عامل سبزی طبیعت، پاکی و باروری و عشق، مظهر زیبایی، نیرومندی و خردمندی، نماد جشن‌ها و مراسم و مهر و محبت، نشانه حرکت به سوی حقیقت، عامل تسلی و امیدواری، مظهر روشنایی و روح خدا، آغاز و پایان حیات را القاء می‌کند. ویژگی‌های فرهنگ اسلامی عناصر چهارگانه به پدیده‌های طبیعی صفاتی نظیر عامل پاکیزگی و طهارت، تقدس، ماده اصلی آفرینش، وسیله تأمین روزی مردم، نماد حیات و سرزندگی، عامل رویش گیاهان و حیات حیوانات، نماد اشراق و الوهیت (کلیت جهان)، عامل ارتباط انسان با طبیعت، نشانه خداوند، مکان و وسیله زندگی، محل اقامت و سکونت، وسیله آسایش و گهواره انسان، آسایشگاه عمومی، نعمت الهی، محل و جهت قبله مسلمین و سجده‌گاه انسان مومن، عامل بشارت‌دهنده رحمت الهی و نشانه نزول عذاب الهی را ارائه می‌نماید. (نمودار ۲)

انواع معیارهای هویت‌بفتش شهری (در جهان و ایران)

با استفاده از دیدگاه صاحب‌نظران شهرسازی جهان در رابطه با شناسایی معیارهای هویتی شهرها می‌توان معیارهای عام هویت‌بخش شهر را شناسایی کرد. در این رابطه از افرادی مانند جین جیکوبز (۱۹۶۱)، کوین لینچ (۱۹۸۱)، ویولینج (۱۹۸۳)، یان بنتلی (۱۹۸۵)، مایکل ساوتورث، راجر ترانسیک (۱۹۸۶)، کولمن (۱۹۸۷)،

از ترکیب آنها یک سری پدیده‌های طبیعی بی‌جان و جاندار دیگر آفریده شده است. عنصر هوا، پدیده‌هایی مانند نسیم، باد، طوفان و دود را شکل می‌دهند. عناصر هوا و آب پدیده‌های شبنم، باران، برف، تگرگ، ابر، یخ و قندیل را و عناصر هوا و خاک پدیده گردوغبار را به وجود می‌آورد. عناصر هوا و نور پدیده‌های شب، روز، رعد و برق، رنگین‌کمان، غروب و طلوع، سایه و آتش را خلق کرده و عناصر آب و خاک پدیده‌های چشمه، سراب، رود، آبشار، فواره، غار، دلتا، مسیل، دریاچه، دریا و تالاب. عناصر آب و نور پدیده رنگین‌کمان و عنصر خاک پدیده‌های خاک، ماسه، سنگ، صخره، کوه، تپه، قله، دره، یال، دشت، جلگه، خط‌الراس، خط‌القعر و شیب را ایجاد می‌کنند. عناصر خاک و نور پدیده‌های بهار، تابستان، پاییز و زمستان و عنصر نور پدیده‌های آفتاب و مهتاب را خلق می‌کند. از نظام‌ها و قوانین حاکم بر ترکیب عناصر چهارگانه طبیعت و فرایندهای حاصل از آنها پدیده‌های جان‌دار طبیعی خلق شده که شامل دو دسته اصلی گیاهان و سپس جانداران است. (نمودار ۱) ویژگی‌های هریک از عناصر چهارگانه طبیعی را می‌توان بر اساس خواص فیزیکی، خواص حسی و ادراکی و یا تاثیرات فرهنگی و دینی آنها طبقه‌بندی نمود. ویژگی‌های فیزیکی عناصر چهارگانه به پدیده‌های طبیعی صفاتی مانند رنگ، بو، شکل هندسی و الگوهای غیرهندسی، حرکت و گردش، حجم و حالت‌های فیزیکی (مایع، جامد و بخار) را ارائه می‌نماید. ویژگی‌های حسی و ادراکی عناصر چهارگانه به پدیده‌های طبیعی صفاتی نظیر جریان و حرکت، سرزندگی، آرامش، دعوت‌کنندگی، جذابیت فضا، حس آشنایی، تقارن، ریتم، پیوستگی،



نمودار ۲. ویژگی‌های عناصر و پدیده‌های طبیعی مأخذ: نگارنده

عناصر طبیعت	هوا	آب	خاک	نور
هوا	نسیم-باد-طوفان-دود			
آب	مه-شبنم-باران-برف-تگرگ-ابر-یخ-قندیل			
خاک	گردوغبار	پشته-سرف-رود-قنطر-خرف-غار-طاف-سبل-دریاچه-دره-تالاب-سیل	خاک-سنگ-سنگ-صخره-کوه-تپه-قله-دره-یال-دشت-جلگه-سطح-فرس-سطح-فرس-زاره	
نور	شب-روز-رعد-وبرق-غروب-طلوع-سایه-آتش	رنگین کمان	بهار-تابستان-پاییز-زمستان-آتش‌فشانی	آفتاب-مهتاب-خورشید-مهتاب-ستارگان

ترکیب عناصر طبیعی	
گیاهان	حیوانات
خرزندگان-پس‌خوردگان-پرنده‌گان	مهره‌چین-بزرگ-سبزه-گل-شاهانه-سینه-سنگ-دروخت

نمودار ۱. رابطه انواع پدیده‌ها و عناصر طبیعی مأخذ: نگارنده

فرانسیس تیبالدز (۱۹۸۸ و ۱۹۹۰)، یان بنتلی (۱۹۹۰) (۱۳۸۶، پاکزاد) می‌توان نام برد که جمع‌بندی این دیدگاه‌ها در دو گروه معیارهای مرتبط با برنامه‌ریزی شهری و معیارهای مرتبط با طراحی شهری قابل طبقه‌بندی است. معیارهای برنامه‌ریزی شهری مواردی مانند ملحوظ داشتن فعالیت‌های مناسب، کاربری مختلط (سرزندگی و تنوع استفاده)، سازگاری، دسترسی، کنترل و نظارت، کارایی و عدالت، لحاظ نمودن پیوندهای بومی - منطقه‌ای، حفاظت تاریخی و مرمت شهری، طراحی برای پیاده‌ها، ویژگی‌های بستر و محیط فرهنگی و طبیعی، پاکیزگی و نگهداری از اکوسیستم‌ها را شامل می‌گردد و معیارهای طراحی شهری نیز به مقولاتی مانند توجه به عنصر خیابان، نفوذپذیر بودن بافت، اختلاط اجتماعی و انعطاف پذیر بودن فضاها، خوانائی، سرزندگی، معنی (حس)، آزادی انتخاب، ایجاد انگیزش (کاربرد فرم‌های شهری متباین)، امکان زندگی اجتماعی در مقابل زندگی خصوصی، به گوش رسیدن آوای گذشته، تنوع حضور عملکردها، فرم‌ها و اشخاص و گروه‌های اجتماعی در مکان، سازگاری بصری، غنا، قابلیت شخصی‌سازی، حفظ تسلسل حرکت‌ها، محصوریت فضاها، پیوستگی لبه‌ها، کنترل محورها و پرسپکتیوها، توجه به ارزش‌های معمارانه محیط، مقیاس انسانی، آسایش پیاده‌ها، توجه و مشورت با تمام گروه‌های جامعه، شادی‌بخش بودن و ایجاد خوشایندی بصری محیط قابل دسته‌بندی است. از سوی دیگر معیارها و اصول هویت‌بخش به شهر ایرانی - اسلامی را نیز می‌توان در دو مقوله برنامه‌ریزی شهری و طراحی شهری تقسیم نمود که معیارهای برنامه‌ریزی شهری شامل عوامل شکل‌دهنده شهر (اقلیم و معیشت، فرهنگ و سنت)، رابطه شهر با طبیعت (انتطابق با محیط طبیعی، جهت یابی جغرافیایی شهر، جهت قبله)، حضور عناصر طبیعی (آب، فضای سبز، آب‌نماها، حوض‌ها، استخرها، جاری کردن آب‌ها و جویبارها در مسیر راه‌ها و معابر، تابش آفتاب و جریان باد در فضای شهری)، (توسلی، ۱۳۷۶) شیوه‌های زندگی در شهر (زندگی فردی و جمعی)، اجزاء و عناصر شهرهای کهن (کهن دژ، شارستان و ریض)، فضاهای سبز شهری قدیم و جدید (فضاهای سبز در واحدهای مسکونی، باغ‌های خصوصی، باغچه‌ها، فضاهای سبز درون محلات و پیرامون شهر)، شبکه راه‌های شهر (سلسله مراتب، نقش آنها در ارتباط با عوامل طبیعی مانند تابش آفتاب، جریان باد و توام با همراهی ساختمان‌ها و نشانه‌های بارز شهری)، بافت شهر (تبعیت از عوارض زمین، توجه به شرایط اقلیمی، رعایت نظام تقسیم بندی آب) می‌شود. (حیبی، ۱۳۷۸) معیارهای طراحی شهری نیز مواردی مانند، شالوده شهر ایرانی (محل، بازار و بازارچه، آب انبار، گرمابه، مسیرهای آب، فضاهای باز و فضای مربوطه به شبکه راه‌ها)، فضاهای مسکونی (وجود جزء به

جزء واحدهای خودیاری و همسایگی و زمینه‌های ارتباط نزدیک تر با مردم با یکدیگر) و فضای اجتماعی محلات شهری قدیم و جدید می‌شود. (سلطانزاده، ۱۳۸۵)

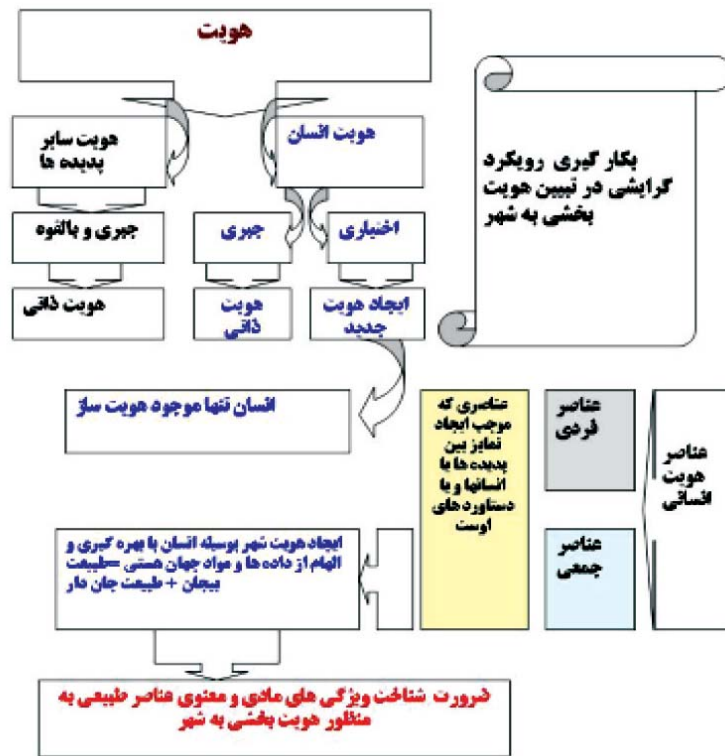
معرفی مدل تحلیلی

در تدوین مدل تحلیلی ابتدا رویکرد متناسب که در برگزیده ویژگی‌های فرهنگ ایرانی و اندیشه‌های دینی در زمینه چگونگی هویت‌بخشی به شهر از طریق عناصر طبیعی است، تحت عنوان رویکرد "فرهنگ‌گرای دینی و طبیعت محور شهر ایرانی" ارائه گردیده است. این رویکرد از تعامل بین رویکرد گرایش به هویت انسان در فرهنگ ایرانی، به این معنی که مقوله هویت تنها توسط انسان ساخته شده و تنها اوست که در بین مخلوقات هستی دارای چنین توانائی است و می‌تواند با نیروی اختیار برای خود و محیط ساخته‌شده خود هویت جدید و مورد نظر خود را ایجاد کند (نمودار ۳) و علاوه بر این در خصوص رابطه انسان با طبیعت (رابطه هر فرد ایرانی با محیط طبیعی ایران) رویکرد هماهنگی با طبیعت، مورد توجه قرار گرفته است. از این رو هویت شهر ایرانی به واسطه اندیشه‌های فرهنگی و تاریخی عمیق ایرانی و اسلامی و با بهره‌گیری و الهام از داده‌ها و مواد جهان هستی (طبیعت بی‌جان و جان‌دار) حاصل خواهد شد. به همین دلیل در تبیین ابعاد این موضوع اهمیت شناخت ویژگی‌های مادی و غیر مادی عناصر طبیعی به عنوان ابزاری برای ایجاد هویت در شهرهای ایران به وسیله افراد ایرانی آشکار می‌گردد. (نمودار ۴)

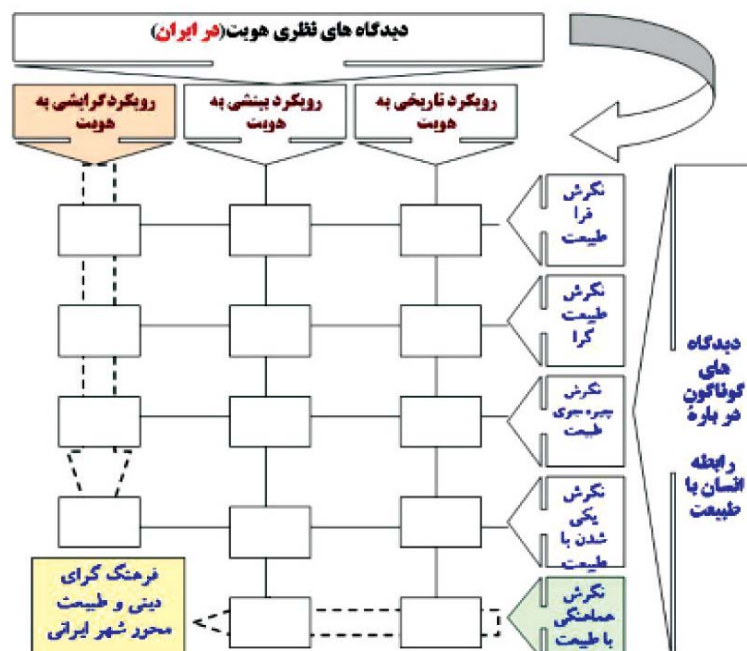
روش تعیین میزان اثربخشی عوامل طبیعی در معیارهای هویتی شهر

در تبیین شاخص‌ها و ویژگی‌های اثرگذار بر هویت شهر در رابطه با عناصر طبیعی میتوان چنین گفت که هویت شهر نشأت گرفته از ابعاد هویتی انسان (مادی و غیرمادی) است که در چهار حوزه اصلی قابل شناسائی است:

۱. ویژگی‌های حسی انسان که توسط حواس پنجگانه انسان از محیط طبیعی اثرپذیر است و شامل حس بینائی، شنوائی، بویائی، چشائی و لامسه است.
- هر یک از این ویژگی‌های اثرات متفاوت در ایجاد تجربه‌ای از عناصر و پدیده‌های طبیعی در محیط شهری دارد.
۲. ویژگی‌های نشأت‌گرفته از ساخت دینی که در هویت‌بخشی شهرها نقش آفرینی می‌کنند و شامل تذکردهندگی، حس پاکیزگی، معرفت شناسی و حس ترس و خوف است.
۳. ویژگی‌های نشأت‌گرفته از ساخت فرهنگی و ایرانی شامل سلامت،



نمودار ۳. رابطه هویت و عناصر طبیعی در شهر مأخذ: نگارنده



نمودار ۴. رویکرد مناسب برای تبیین هویت بخشی به شهرها از طریق عناصر طبیعی مأخذ: نگارنده

آسایش، سرزندگی، آرامش، قدرت بخشی، خاطره‌انگیزی، حس غرور، حس شادی و حس جمعی است.

۴- ویژگی‌های نشأت‌گرفته از ساخت کالبدی که در هویت‌بخشی شهرها نقش‌آفرینی میکنند و شامل حدود شهر، بافت شهر، مرفولوژی شهر، همجواری فعالیت‌ها، نحوه استقرار بناها، نوع فعالیت‌ها، تمرکز جمعیت، سازگاری فعالیت‌ها، حریم فعالیت‌ها، خوانائی، جهت‌یابی، حس مکان، عناصر شناخت تصویر ذهنی شهر (نشانه، لبه، محله، گره، راه) و عوامل طراحی شهری (تنوع، تضاد، تقارن، وحدت، هماهنگی، نظم، پیچیدگی و حس حرکت) است که هر یک از این ویژگی‌ها اثرات متفاوت در ایجاد تجربه‌ای از عناصر و پدیده‌های طبیعی در محیط شهری دارد. از سوی دیگر ابعاد هویتی شهر در بستر طبیعت در سه سطح کلان، میانی و خرد قابل تقسیم‌بندی است که با دو دسته ابعاد هویتی انسان (نیازهای مادی و غیرمادی) قابل ترکیب بوده و از برخورد هر کدام با همدیگر ویژگی‌های هویت‌بخشی به شهر حاصل می‌گردد. (نمودار ۵ و ۶)

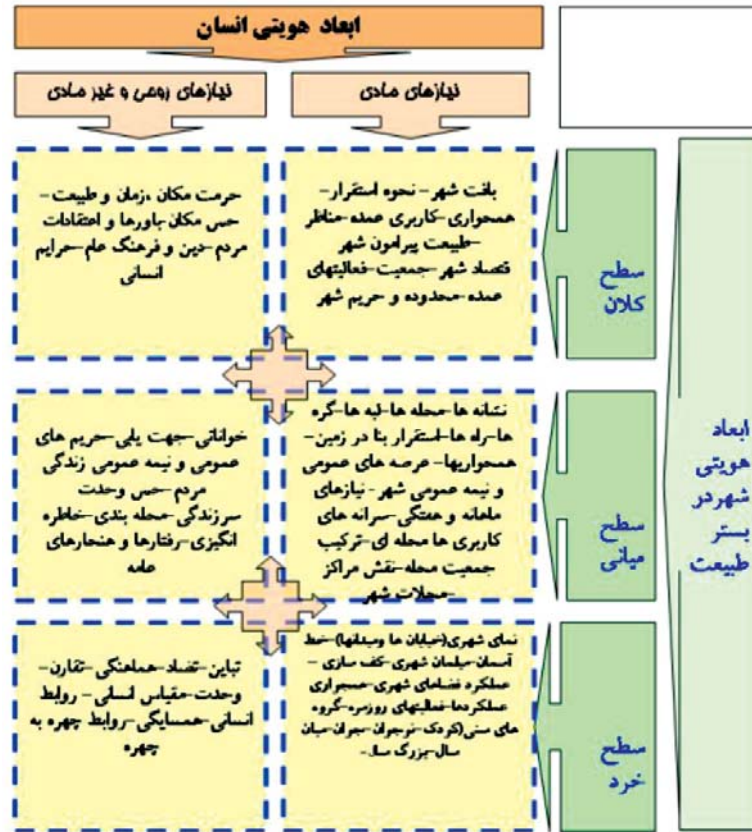
▣ بررسی نمونه موردی: عناصر و پدیده‌های طبیعی هویت‌بخش شهر همدان

شهر همدان یکی از شهرهای مناطق پایکوهی غرب ایران و دارای سابقه تاریخی و فرهنگی زیاد است. اقلیم سرد و کوهستانی دارد و شیب کمتر از ده درصد از جنوب به شمال آن یکی از ویژگی‌های آن است. (سازمان مسکن و شهرسازی استان همدان، ۱۳۶۳) در شهر همدان پدیده‌های طبیعی که از عناصر چهارگانه به وجود آمده‌اند را می‌توان بدین صورت تقسیم بندی نمود. عنصر هوا در پدیده‌های نسیم، باد، طوفان، کولاک، سرما، ابر و مه، عنصر آب در پدیده‌های چشمه، رود و جویبار، آبشار، سراب، شبنم، باران، نگرگ، برف، یخ، قندیل، دریاچه مصنوعی. عنصر خاک در پدیده‌های سنگ و صخره، دره، یال، خاک و ماسه، تپه، دشت. عنصر نور در پدیده‌های فصول چهارگانه، شب و روز، طلوع و غروب، رنگین کمان، سایه، آفتاب و مهتاب و رعد و برق. در بررسی آزمون فرضیه عناصر طبیعی چهارگانه (آب، نور، خاک و هوا) و پدیده‌هایی که از این عناصر در شهر همدان به وجود می‌آیند را با طراحی الگویی توصیفی ویژه در رابطه با عوامل و معیارهای هویت‌بخش مادی و معنوی به شهر و سطوح اثربخشی آنها قرار داده و سپس مصادیق واقعی هویتی طبیعی در نمونه موردی (شهر همدان) به صورت تصاویر ارائه گردیده است. در این الگو پدیده‌های اصلی عنصر هوا در شهر همدان شامل نسیم، باد، ابر و سرما است که در هر سه سطح کلان، میانی و خرد اثربخشی داشته و در ایجاد فضاهای فرحبخش تفریحی، بافت منسجم ارگانیک، دید بصری شهر به طور مستقیم اثربخشی دارند. پدیده‌های عنصر آب

در این شهر شامل مواردی مانند چشمه، قنات، رود و آبشار، باران، برف، یخ و قندیل و دریاچه مصنوعی است که در هر سه سطح کلان، میانی و خرد اثربخشی داشته و معیارهایی مانند سرزندگی محلات شهری، ایجاد بافت ارگانیک شهری، پاکیزگی محیطی، حس مکان، تنوع فضائی و خوانائی و خاطره‌انگیزی شهری مستقیماً اثربخشی دارند. پدیده‌های عنصر خاک در این شهر شامل مواردی مانند شیب و شکل زمین، سنگ گرانبه، کوه و قله‌ها و دره‌ها و یال‌های ارتفاعات، تپه‌های طبیعی، خط‌الراس‌ها و دشت و چمنزارها است که عمدتاً در دو سطح کلان، میانی اثربخشی داشته و معیارهایی مانند همجواری فعالیت‌ها، حس مکان و خوانائی، جهت‌یابی، خاطره‌انگیزی شهری، بافت شهری و مرفولوژی شهری، تمرکز جمعیت و تنوع فضاهای شهری مستقیماً اثربخشی دارند. پدیده‌های عنصر نور در این شهر شامل مواردی مانند فصول چهارگانه محسوس، شب و روزها، طلوع و غروب‌ها و آسمان صاف و خورشید درخشان است که عمدتاً در دو سطح کلان و میانی اثربخشی داشته و معیارهایی مانند سرزندگی، حس حرکت، تذکردهندگی، همجواری فعالیت‌ها، حس مکان و خوانائی، جهت‌یابی، خاطره‌انگیزی شهری، بافت شهری و مرفولوژی شهری، تمرکز جمعیت و تنوع فضاهای شهری مستقیماً اثربخشی دارند. (نمودار ۷)

نتیجه گیری

نتایج حاصل در حوزه نظری بیان‌کننده این است که هویت به مجموعه عواملی که شخصیت کسی را به اثبات می‌رساند اطلاق می‌گردد و انسان در بین تمامی موجودات عالم تنها موجودی است که دارای توانایی ایجاد هویت‌های جدید برای خود و برای مصنوعات خود می‌باشد، انسان برای ایجاد این هویت‌های جدید با الهام از عناصر و پدیده‌های طبیعت و داده‌هایی که طبیعت در اختیار او گذاشته است می‌تواند برای مصنوعات خود (انواع دستاوردهای تمدنی از جمله شهرها) نیز هویت‌های جدید و متغیری را متناسب با نیازهای مادی و معنوی خود در زمان‌های مختلف به وجود آورد. بنابراین مقوله هویت را اساساً باید متوجه آینده کرد، نه گذشته. این نوع نگاه به هویت را اندیشمندان معاصر ایرانی با عنوان رویکرد گرایشی تعریف کرده‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که مفهوم طبیعت در اکثر فرهنگ‌ها و تمامی ادیان مورد احترام و توجه است. در فرهنگ ایران باستان طبیعت از چهار عنصر (آب، خاک، باد و نور) تشکیل شده است. در فرهنگ اسلامی نیز این عناصر و پدیده‌های دیگر طبیعت به عنوان نشانه‌هایی از وجود خداوند و عاملی برای تذکر و یادآوری است. رویکردی که در فرهنگ ایرانی و اندیشه اسلامی به طبیعت وجود دارد رویکرد



نمودار ۵. تعیین معیارهای هویت‌بخش شهر در رابطه با عناصر طبیعی مأخذ: نگارنده



نمودار ۶. نمونه‌هایی از الگوهای تشخیص اثرات پدیده‌ها طبیعی در هویت‌بخشی محیط شهری مأخذ: نگارنده



نمودار ۷. تعیین معیارهای هویت بخش شهر همدان از عناصر طبیعی مأخذ: نگارنده

۳. امین زده، بهناز، (۱۳۸۹)، "ارزیابی زیبایی و هویت مکان"، مجله هویت شهر، شماره ۷، تهران.
۴. پاکزاد، جهان‌شاه، (۱۳۸۶)، "سیر اندیشه‌ها در شهرسازی (۲)"، شرکت عمران شهرهای جدید، تهران.
۵. پاکزاد، جهان‌شاه، (۱۳۸۸)، "سیر اندیشه‌ها در شهرسازی (۳)"، انتشارات شهیدی، تهران.
۶. توسلی، محمود، (۱۳۷۶)، "اصول و روشهای طراحی شهری و فضاهای مسکونی در ایران"، جلد اول و دوم، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، تهران.
۷. حبیبی، سید محسن، (۱۳۷۸)، "از شار تا شهر"، دانشگاه تهران.
۸. ذکاوت، کامران، (۱۳۸۵)، "هویت شهرهای جدید-نقش عوامل طبیعی و مصنوعی"، شرکت عمران شهرهای جدید، تهران.
۹. رهنمایی، محمد تقی، (۱۳۶۹)، "مجموعه مباحث و روشهای شهرسازی (جغرافیا)"، انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی، تهران.
۱۰. سازمان مسکن و شهرسازی استان همدان، (۱۳۶۳)، "طرح توسعه و عمران همدان"، مهندسین مشاور مژدا وهمکاران.
۱۱. سازمان مسکن و شهرسازی استان همدان، (۱۳۸۵)، "گزارش کتاب در جستجوی هویت شهری همدان"، همدان.
۱۲. سلطانزاده، حسین، (۱۳۸۵)، "فضاهای شهری در بافت‌های تاریخی ایران"، دفتر پژوهشهای فرهنگی، تهران.
۱۳. سلطانی، کامییز، (۱۳۷۱)، "مجموعه مباحث و روشهای شهرسازی (محیط زیست)"، انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی، تهران.
۱۴. صانع پور، مریم، (۱۳۷۸)، "دیدگاه اومانستی"، تهران.
۱۵. فرشاده، مهدی، (بی تا)، "نگرش سیستمی"، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
۱۶. فولکیه، پل، (۱۳۴۳)، "گزیستانسیالیسم"، تأیید اصفهان.
۱۷. کاجی، حسین، (۱۳۷۸)، "کیستی ما"، نشر روزنه، تهران.
۱۸. مطهری، مرتضی، (۱۳۷۰)، "انسان کامل"، انتشارات صدرا، تهران.
۱۹. مطهری، مرتضی، (۱۳۷۳)، "باز یافت هویت"، در مجله پاسدار اسلام، تهران.
۲۰. مطهری، مرتضی، (۱۳۷۴)، "مجموعه آثار"، ج ۱۳، انتشارات صدرا، تهران.
۲۱. مطهری، مرتضی، (۱۳۷۸)، "مجموعه آثار"، انتشارات صدرا، تهران.
۲۲. نصر، سید حسین، (۱۳۵۹)، "نظر متفکران اسلامی در باره طبیعت"، خوارزمی، تهران.
۲۳. نصر، سید حسین، (۱۳۷۸)، "نگرش جهانی اسلام و علوم مدرن غرب"، کتاب سروش، ش ۵، ویژه غرب شناسی، تهران.
۲۴. نصر، سید حسین، (۱۳۷۹)، "نیاز به علم مقدس"، نشر طه، قم.
۲۵. نقره کار، عبدالحمید، (۱۳۸۱)، "هویت و بحران آن در اندیشه معماری و شهرسازی معاصر"، مرکز تحقیقات شهرسازی و معماری دانشگاه علم و صنعت، تهران.
۲۶. نقی زاده، محمد، (۱۳۸۴ الف)، "ادراک زیبایی و هویت شهر در پرتو تفکر اسلامی"، شهرداری اصفهان، اصفهان.

هماهنگی با طبیعت است. با توجه به نتایج فوق در این تحقیق به یک رویکرد نظری در تبیین هویت بخشی شهرهای ایران از طریق عناصر طبیعی دست خواهیم یافت که پایه‌های آزمون فرضیه تحقیق خواهد بود. این رویکرد تحت عنوان رویکرد "فرهنگ‌گرای دینی و طبیعت‌محور شهر ایرانی" ارائه گردیده است. در تبیین شاخص‌ها و ویژگی‌های اثرگذار بر هویت شهر در رابطه با عناصر طبیعی نتایج تحقیق نشان می‌دهد که هویت شهر نشأت گرفته از ویژگی‌های مادی و غیرمادی انسان است که در چهار حوزه اصلی (حسی، فرهنگی دینی و مکانی فضائی) قابل شناسایی است. ابعاد هویتی شهر در بستر طبیعت در سه سطح کلان، میانی و خرد قابل تقسیم‌بندی است که با دو دسته ابعاد هویتی انسان (نیازهای مادی و غیرمادی انسان) قابل ترکیب بوده و از برخورد هر کدام با همدیگر ویژگی‌های هویت بخشی به شهر حاصل می‌گردد. نتایج کلی تحقیق که در شهر نمونه (همدان) مورد آزمون قرار گرفته نشان‌دهنده این است که عناصر طبیعی دارای نقش مهمی در ایجاد هویت در شهر همدان به عنوان یکی از شهرهای پایکوهی ایران دارد و برای ایجاد هویت‌های جدید نیز ضرورت دارد از آنها الهام و بهره‌برداری گردد، به گونه‌ای که ارزش‌های آن نیز حفظ گردیده و مورد احترام قرار گیرد. در شهر همدان پدیده‌های طبیعی ثابتی مانند کوه، تپه، قله، دره، یال، دشت، خط‌الراس، خط‌القرع، چشمه، رود، آبشار، مسیل، استخرهای مصنوعی و پدیده‌های غیر ثابت مانند نسیم، باد، طوفان، مه شبینم، رعد و برق، برف، تگرگ، یخ و قندیل از مهمترین عوامل هویتی به شهر محسوب می‌گردد و معیارهایی مانند سرزندگی محلات شهری، ایجاد بافت ارگانیک شهری، پاکیزگی محیطی، حس مکان، تنوع فضائی و خوانائی و خاطره‌انگیزی شهری مستقیماً از عنصر و معیارهایی مانند همجواری فعالیت‌ها، حس مکان و خوانائی، جهت‌یابی، خاطره‌انگیزی شهری، بافت شهری و مورفولوژی شهری، تمرکز جمعیت و تنوع فضاهای شهری مستقیماً از عنصر خاک و معیارهایی مانند سرزندگی، حس حرکت، تذکردهندگی، همجواری فعالیت‌ها، حس مکان و خوانائی، جهت‌یابی، خاطره‌انگیزی شهری، بافت شهری و مورفولوژی شهری، تمرکز جمعیت و تنوع فضاهای شهری مستقیماً از عنصر نور اثربخشی دارند.

فهرست مراجع

۱. اسپرین، آن ویستون، (۱۳۸۴)، "زبان منظر"، سید حسین بحرینی و بهناز امین‌زاده، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۲. امین‌زاده، بهناز و نقی‌زاده، محمد، (۱۳۸۲)، "الهام از میراث طبیعی در

۲۷. نقی زاده، محمد، (۱۳۸۴ ب)، "جایگاه طبیعت و محیط زیست در فرهنگ و شهرهای ایرانی"، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی، تهران.